

# نقش عملکرد خانواده (مبتنی بر الگوی مک مستر) در پیش بینی نگرش‌های صمیمانه و توافق زوجین در خانواده‌های شهر قزوین

سیده فاطمه موسوی<sup>۱</sup>

استادیار روان‌شناسی تربیتی، پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهراء (س)

پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۴

دریافت: ۹۱/۶/۱۰

## چکیده

**هدف:** عملکرد خانواده، بر رویکرد سیستمی مبتنی بر ساختار، سازماندهی و الگوهای تبادلی بین اعضای آن، استوار است و سلامت ابعاد مختلف آن، موجب ایجاد و گسترش تفاهم و افزایش صمیمیت بین همسران گردیده، تضمینی برای ثبات و بقای آن، به منزله‌ی یک نظام فراهم نماید. هدف از این مطالعه، بررسی نقش عملکرد خانودگی بر مبنای الگوی مک مستر به عنوان پیش‌بین کننده‌ی نگرش‌های صمیمانه و توافق بین همسران در خانواده‌های شهر قزوین می‌باشد.

**روش:** این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است، لذا، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۵۳ زوج (۱۰۶ نفر)، در دامنه‌ی سنی ۱۹ تا ۶۸ سال، از نقاط مختلف شهر قزوین انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات، مقیاس سنجش عملکرد خانواده، مقیاس توافق زناشویی و مقیاس صمیمیت استفاده شد. داده‌های بدست آمده، از طریق نرم افزار DE و SPSS20 با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون چند متغیری مورد تحلیل قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین توافق زوجین، نگرش‌های صمیمانه و عملکرد خانوادگی آن‌ها در سطح معناداری ( $p < 0/01$ ) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. علاوه

بر این، عملکرد خانوادگی، قادر است توافق بین زوجین را به میزان ۰/۴۶ و نگرش‌های صمیمانه‌ی بین همسران را به میزان ۰/۲۵ پیش‌بینی نماید.  
**نتیجه‌گیری:** می‌توان نتیجه گرفت که بهبود عملکرد خانوادگی زوجین، با افزایش میزان تفاهم و توافق بین همسران رابطه داشته، در عین حال، رابطه‌ی مستقیمی با صمیمیت زوجین برقرار می‌کند.

**واژگان کلیدی:** عملکرد خانواده، توافق زوجین، صمیمیت، قزوین.



## مقدمه

ازدواج منشاء ایجاد چرخه‌ی زندگی خانوادگی است (وارینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). در تعریف گلدنبرگ و گلدنبرگ (۲۰۰۸، به نقل از اسپنسر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) خانواده، خرده‌فرهنگی است که بر اساس تاریخچه‌ی مشترک، فرضیه‌ها و ادراکات درونی شده در مورد جهان و اهداف مشترک بین اعضای آن، رابطه‌ای عمیق و چندلایه وجود دارد. افراد در چنین نظامی، از طریق وفاداری‌ها و دلبستگی‌های هیجانی قدرتمند، پایدار و متقابل به هم گره خورده‌اند. موضوع خانواده از دو منظر (۱) ساختار و عملکرد خانواده شامل: تعاملات یا کنش متقابل بین اعضای یک خانواده، و (۲) تحولات و دگرگونی‌های ناشی از ارتباط عوامل داخلی و خارج از خانواده مورد توجه بوده است (منادی، ۱۳۸۵). از نگاه نخست، عملکردهای خانوادگی در چارچوب مفاهیمی چون جنسیت، بدن، غذا و به طور خلاصه، رفتارهای مرتبط با زندگی خانوادگی مورد توجه قرار می‌گیرد، در تحلیل زندگی خانواده، این رهیافت تحت عنوان «کارکردباوری» ناظر بر فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع جامعه یا گروه اجتماعی است (برناردز، ۱۳۸۴). بهاری و مهدوی هرسینی (۱۳۸۴)، به نقل از نصر اصفهانی، اعتمادی و شفیع‌آبادی، (۱۳۹۱) عملکرد خانواده را توانایی خانواده در انطباق با شرایط ایجاد شده در طول حیات، حل تعارضات، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی و رعایت مرزهای بین افراد با هدف صیانت از نظام خانواده دانسته‌اند.

الگوی مک‌مستر<sup>۳</sup>، درمورد ارزیابی عملکرد خانواده، بر رویکرد سیستمی استوار است که در آن ساختار، چگونگی سازماندهی و الگوهای تبدیلی<sup>۴</sup> خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصول بنیادی این الگو عبارتست از: ارتباط بین بخش‌ها و اجزای خانواده با یکدیگر، قابل درک نبودن یک جزء جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی







1. Waring, E. M.
2. Spencer, G. N.
3. McMaster Model
4. transactional patterns

خانواده در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و این که کارکرد خانواده، چیزی است بیش از کارکرد مجموع اجزای آن. الگوی مک‌مستر، عملکرد خانواده را در سه دسته وظایف بنیادی<sup>۱</sup> (شامل موارد فطری و ذاتی چون تدارک غذا و سرپناه، مهرورزی، عاطفه و...)، وظایف رشدی<sup>۲</sup> (شامل مسائل مربوط به رشد فردی چون نوزادی، کودکی و... و مسائل مربوط به مراحل خانواده چون ازدواج اول، اولین بارداری، تولد اولین فرزند) و رویدادهای مخاطره آمیز<sup>۳</sup> (شامل بحران‌های مربوط به بیماری، تصادف، بیکاری و...) دسته‌بندی می‌نماید. طبق الگوی مک‌مستر، ابعاد مهم عملکرد خانواده، عبارتند از: حل مساله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخدهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار (اپشتاین، بیشاپ و لوین<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸). تمام خانواده‌های دارای دارای عملکرد ضعیف<sup>۵</sup>، در زمینه‌ی موضوعات عاطفی مشکل داشته و اغلب از طی فرایند حل مسأله عاجزند، در این خانواده‌ها، ارتباطات نادیده گرفته شده و یا فاقد صلاحیت است، تخصیص و پاسخدهی نقش، مشخص و واضح نیست، گستره‌ی واکنش‌های هیجانی، محدود بوده، کمیّت و کیفیت این واکنش‌ها، متناسب با بافت و محیط، غیرعادی است، در عین حال، اعضای خانواده به یکدیگر علاقه‌ای نداشته و در مورد یکدیگر، اقدام به سرمایه‌گذاری عاطفی نمی‌کنند، آن‌چه مینوچین از آن تحت عنوان خانواده‌های گسسته<sup>۶</sup> نام می‌برد (زهراکار و جعفری، ۱۳۸۹).

در همین راستا، بوئن<sup>۷</sup> بر اساس روابط موجود بین اعضای خانواده، اقدام به طراحی ژنوگرام<sup>۸</sup> یا نقشه‌ی خانواده<sup>۹</sup> نموده است. این نقشه، موجب تسهیل در درک عملکرد کل نظام خانواده گردیده، روشی برای تحلیل الگوهای زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی موجود برای

1. basic tasks
2. developmental tasks
3. hazardous events
4. Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S.
5. dysfunctional family
6. disengaged
7. Bowen M.
8. genogram
9. family map

نسل‌ها فراهم می‌نماید، به گونه‌ای که با درک روشنی از آن، بتوان فرصتی برای تغییر الگوهای عملکرد نامناسب و جانشین نمودن عملکردهای کارآمد در خانواده ایجاد نمود (ویلیامز و ویلیامز، ۲۰۰۵). شکل ۱ بیانی مختصر از نظریه‌ی وی می‌باشد:

	<b>روابط صمیمی:</b> چنین روابطی فرصت تعاملات نزدیک بین زوجین و اعضای خانواده را فراهم می‌نماید.
	<b>روابط غیر صمیمی:</b> چنین روابطی منجر به قطع تعاملات صمیمانه بین اعضا می‌گردد.
	<b>روابط تو در تو:</b> در چنین روابط بسیار صمیمانه، اعضا فردیت و منحصر به فرد بودن خود را از دست می‌دهند.
	<b>روابط تعارض آمیز:</b> در چنین روابطی، تعاملات در قالب مراحل از تعارضات حل نشده ادامه می‌یابد.
	<b>روابط پیچیده تعارض آمیز:</b> در چنین روابطی، اعضای خانواده در عین برخورداری از صمیمیت با یکدیگر تعارض دارند.
	<b>روابط از هم گسیخته:</b> در چنین روابطی، تماس‌ها به حداقل رسیده، فرصت رشد از اعضا سلب شده، روابطی که از تعارضات گذشته، فاصله‌ی جغرافیایی و یا شرایط خاص نشأت می‌گیرد.

شکل ۱. ژنوگرام خانواده

در این نقشه، با استفاده از خطوط و نمادهای مختلف، بازنمودی تصویری از خانواده، خرده‌سیستم‌ها، حدود مجاز و ماهیت روابط بین اعضای آن فراهم می‌گردد. چنانچه ملاحظه می‌شود خانواده‌ای با عملکرد مناسب و بهنجار به شکل دو خط موازی، از روابط صمیمانه بین

اعضاء برخوردار بوده، چنین روابطی، فرصت ایجاد تعاملات مناسب و حاکی از تفاهم را بین اعضا فراهم می‌نماید.

لزوم توجه به روابط صمیمانه و حاکی از تفاهم در پیوندهای زناشویی، موضوعی است که تأکید بر آن از سوی همه توصیه گردیده، مهری که ضامن خرسندی، شادمانی و بقای خانواده است (ساروخانی، ۱۳۷۵). لوئیز<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۷۶)، به نقل از وارینگ، (۲۰۱۰) بر این باورند که فرصت‌های ایجاد صمیمیت بین همسران، عنصر مهم در عملکرد بهنجار خانواده است. لذا، کیفیت و کمیّت صمیمیت بین همسران، تعیین‌کننده‌ی محیط و عملکرد خانواده محسوب می‌شود. هالینگشده<sup>۲</sup> با استناد به کثرت عواملی که زوج را در تمام مراحل زناشویی اش همراهی می‌کنند، معتقد است فقدان عشق و روابط صمیمانه اگرچه موجب زوال خانواده نمی‌شود، لیک برای سعادت خانوادگی امری ضروری است، از این روست که همزیستی و روابط تام زوجیت بدون هاله‌ی مهر به تبلور دشواری‌ها، اختلال در ارتباطات و در نهایت تزلزل در بنای خانه می‌انجامد (ساروخانی، ۱۳۷۵). لذا با توجه به اهمیت حفظ خانواده در جایگاه تثبیت شده‌ی آن به صورت یک خانواده‌ی متعادل، شناخت عوامل مرتبط با تقویت بنیان خانواده ضروری به نظر می‌رسد. سلامت روابط زناشویی یکی از شاخص‌های سلامت روان و تداوم زندگی محسوب شده، امری که در قالب احساسات عینی، خشنودی و لذت تجربه شده توسط زوجین متأثر از عوامل فردی و اجتماعی گوناگون در جوامع مختلف، متفاوت است (فدوی، ۱۳۸۹). زین و آیتزن<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) رابطه‌ی زناشویی را فرآیندی می‌دانند که طی آن یک زوج با بیان افکار، عواطف و رفتار می‌کوشند به سوی تفاهمی هرچه کامل‌تر در تمام سطوح حرکت کنند. زندگی مشترک زناشویی به معنای اختصاصی و منحصر بودن برخی از ابعاد زندگی بین افراد است. توافق زناشویی<sup>۴</sup>، توصیفی از رابطه‌ی مناسب زن و شوهر است (یزدان

1. Lewis  
 2. Hollingshead  
 3. Zinn & Eitzen  
 4. marriage compatibility

پرست و نوحی طهرانی، ۱۳۹۱). وجود توافق بین همسران مستلزم رسیدن به جهان بینی مشترک به شمار آمده و حاکی از تثبیت و تایید دوباره‌ی قواعد، روابط و نقش‌های مربوط به همسران است که افراد را قادر می‌سازد تا احساسات خود را بیان کرده، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها همکاری نموده و امیدوارانه به حل مشکلات پردازند (باگاروزی، ۱۳۸۶). در رابطه‌ای با توافق زناشویی بالا، هر دو زوج، به گونه‌ای رفتار، تصور و ادراک می‌کنند که گویی نیازها و انتظاراتشان برآورده شده و چیزی وجود ندارد که در روابطشان خللی ایجاد کند (یزدان پرست و نوحی طهرانی، ۱۳۹۱). در ازدواج‌های موفق، تبادل و ارضای در حد انتظار نیازهای صمیمیت زوجین، موجب تحکیم روابط محبت‌آمیز بین آنها شده تا آن‌جا که می‌توان گفت اصل اساسی در ازدواج‌های موفق، همانا ایجاد صمیمیت بین زوجین است (باگاروزی، ۱۳۸۶)، از طرف دیگر، به باور درمان‌گران خانواده، شناخت صمیمیت به معنای آگاهی از تنوع در ساختارهای خانوادگی است (به نقل از رفاهی و مقتدری، ۱۳۹۲). بنابراین، وجود نگرش‌های صمیمانه بین زوجین، به وجود تعامل بین همسران اشاره نموده و کمبود آن، شاخص آشفتنگی در رابطه‌ی زناشویی است (هالفورد، ۱۳۸۴).

خانواده‌ای با روابط مثبت زناشویی حاکی از سهم بودن اعضای خانواده در حل مشکلات هم و نگرانی نسبت به مسائل یکدیگر و کمی سطح نزاع‌های بین فردی است (لیان و یوسف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). ساندرسون و کارتسکی<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) بر این باورند افرادی که به نگرانی‌های همسر خود بیش‌تر توجه نموده و به دنبال حمایت عاطفی وی هستند، در حل تعارضات خود با مهارت بیش‌تری عمل می‌کنند. اکبری، پورشریفی، عظیمی و فهیمی (۱۳۹۱) در پژوهش خود دریافتند که تحلیل رفتار متقابل، بر توافق و صمیمیت زناشویی زوج‌های دارای نشانگان طلاق عاطفی، نسبت به گروه کنترل تاثیرات معناداری بر جای گذاشته است. گریف و ملهرب<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نیز بین صمیمیت جنسی و توافق بین همسران رابطه معناداری مشاهده نمودند. نتایج مطالعه‌ی زارع

1. Lian & Yusoff

2. Sanderson . C. A & Karetsky K. H

3. Greeff, A. P & Malherb H.L

پور و آسوده (۱۳۹۰) نشان داد که صمیمیت و الگوی ارتباطی سازنده‌ی متقابل، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت روان زوجین است. فلدمن، ونتزل، وین برگر و مانسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) مر مطالعه‌ی خود به رابطه‌ی معنادار بین روابط زناشویی والدین و عملکرد خانواده، بین خودکنترلی کودکان و کیفیت روابط زناشویی پی بردند. یافته‌های ناشی از مطالعات پیمایشی سلامت کودکان در غرب استرالیا<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) نشان داد که خانواده‌های دارای عملکرد ضعیف، از روابط عاطفی ضعیفی بین همسران برخوردار بوده، فعالیت‌های مشترک بین همسران کم‌تر صورت گرفته، از ثبات زناشویی پایینی برخوردارند. مطالعه‌ی کال، پاول، توبرو و هاس<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نشان داد عملکرد خانواده از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بالایی برای اعتماد بین اعضاء برخوردار بوده و اعتماد نیز از قدرت زیادی در تأثیر بر شکل‌گیری روابط صمیمانه بین اعضاء داراست. اصلانی، صیادی و امان‌الهی<sup>۴</sup> (۱۳۹۲) بین دلبستگی ایمن به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی صمیمیت و عملکرد خانواده، رابطه‌ی مثبت و معناداری مشاهده نمودند.

مطالعات تلسیز<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات، میزان رضایت از زندگی زناشویی افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش احمدی و فتحی آشتیانی (۱۳۸۳) بر روی ۱۳۶ دانشجوی متاهل، نشان داد که سن و تحصیلات همسر در میزان توافق زوجین آنان تأثیری ندارد. مطالعات سلز و شاون<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) نیز عواملی چون سطح تحصیلات، داشتن فرزند، طول مدت ازدواج، همراهی همسر، شخصیت، درآمد و... را بر میزان توافق بین همسران موثر یافتند. در پژوهش حسینی سده و فتحی آشتیانی (۱۳۸۹) بین افزایش رضایت زناشویی به عنوان شاخص دوام ازدواج و توافق زوجین رابطه‌ی مثبتی مشاهده گردید.

1. Feldman, S. S; Wentzel, K. R.; Weinberger, D. A& Munson, J.
2. Western Australian Aboriginal Child Health Survey
3. Coll, K. M., Powell, S., Thobro, P. & Haas, R.
4. Telsiz M
5. Sells, J & Shawn J.P.



با توجه به آنچه گفته شد این مطالعه با هدف بررسی نقش عملکرد خانواده در پیش بینی توافق بین همسران و نگرش به صمیمت در خانواده‌ها در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد:

۱- آیا بین عملکردهای مختلف خانواده، توافق بین همسران و نگرش‌های صمیمانه آن‌ها رابطه وجود دارد؟

۲- عملکردهای خانواده تا چه میزان می‌تواند توافق بین همسران و نگرش‌های صمیمانه آن‌ها به یکدیگر را پیش‌بینی نماید؟

در پاسخ به پرسش‌های یاد شده، باید گفت بین عملکردهای مختلف خانواده با توافق زوجین و روابط صمیمانه‌ی آن‌ها رابطه وجود داشته، لذا عملکرد خانواده از قدرت پیش‌بینی کنندگی خوبی برای دو متغیر یاد شده برخوردار است.

## روش

این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بوده و جامعه‌ی آماری آن، شامل کلیه‌ی خانواده‌های (زوجین) ساکن در شهر قزوین می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری به شیوه‌ی غیراحتمالی و در دسترس است، بدین ترتیب نمونه‌ای شامل ۱۰۶ زوج (۵۳ زن و ۵۳ مرد)، در دامنه‌ی سنی ۱۹ تا ۶۸ سال (۳۶ زوج جوان و ۱۷ زوج میانسال) با در نظر گرفتن نسبت سهم زوجین جوان به زوجین میانسال در شهر قزوین)، در سطح تحصیلی ۲۹ نفر زیر دیپلم، ۴۵ نفر دیپلم و ۳۲ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی و با طول مدت ازدواج زوجین از ۲ تا ۱۴ سال، از طریق مراجعه به منزل توسط ۵ پرسشگر، از نقاط مختلف شهر قزوین انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها بدون آگاهی زوجین از پاسخ‌های یکدیگر تکمیل گردید. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل توسط پرسشگران، کدگذاری شده و از طریق نرم افزار DE و SPSS20 با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون چند متغیری مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار: مقیاس سنجش خانواده (FAD)<sup>۱</sup> که توسط اپشتاین، بالدوین<sup>۲</sup> و بیشاپ (۱۹۸۳) ابداع گردید. این ابزار ۶۰ گویه‌ای مبتنی بر الگوی مک مستر، جهت گردآوری اطلاعاتی در خصوص ابعاد مختلف خانواده طراحی گردیده و خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد. این مقیاس، شش بُعد از عملکرد خانواده را با هدف بررسی شرایط سلامت کلی یا آسیب شناختی خانواده شامل: حل مساله، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (اپشتاین و همکاران، ۱۹۸۳). مقیاس در طیف لیکرت چهار درجه‌ای از کاملاً موافق (۱) تا کاملاً مخالف (۴) ساخته شده است. نمرات کم‌تر نشانه‌ی عملکرد سالم‌تر است. این مقیاس با ضرایب آلفای خرده مقیاس‌های خود از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. ضریب آلفای کل مقیاس به نقل از ثنایی (۱۳۸۷) ۰/۹۲ گزارش شده است. در این پژوهش، پایایی کل مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد.

- مقیاس صمیمیت (IS)<sup>۳</sup> با ۱۷ گویه توسط واکر و تامپسون<sup>۴</sup> (۱۹۸۳)، به نقل از ثنایی، (۱۳۸۷) با هدف سنجش مهر و صمیمیت بین دو فرد ساخته شده است. صمیمیت، توجه و اهمیت اعضای خانواده برای یکدیگر، و عوامل نزدیکی در قالب مهر، از خودگذشتگی، خرسندی و رضایت تعریف گردیده است. دامنه نمرات بین ۱ تا ۷ است که نمرات بالاتر نشانه‌ی صمیمیت بیش‌تر است. اعتبار آن در پژوهش‌های مختلف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۸۷). پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۶ بدست آمد.

- مقیاس ۳۲ سوالی توافق زناشویی (DAS)<sup>۵</sup> توسط جی. بی. اسپاینر (۱۹۷۶)، با هدف ارزیابی کیفیت رابطه‌ی زناشویی یا روابط دو نفری مشابه آن ساخته شده است. این مقیاس

1. Family Assessment Device  
2. Baldwin, L. M.  
3. Intimacy Scale  
4. Walker & Thompson  
5. Dyadic Adjustment Scale

چهار بُعد رابطه اعم از: رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره‌ی کل سوالات بین ۰ تا ۱۵۱ است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده رابطه‌ی بهتر است. پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنائی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه گردید.

### یافته‌ها

#### جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات توافق، عملکرد و نگرش‌های صمیمانه‌ی دو گروه زن و مرد با توجه به تحصیلات

مرد						زن					
دانشگاهی		دیپلم		زیر دیپلم		دانشگاهی		دیپلم		زیر دیپلم	
S	μ	S	μ	S	μ	S	μ	S	μ	S	μ
۱۴/۹۴	۱۲۵/۰۰	۱۹/۸۷	۱۱۸/۸۹	۱۹/۳۶	۱۱۱/۵۴	۱۴/۰۰	۱۲۴/۰۹	۱۶/۰۳	۱۱۸/۶۵	۱۷/۵۰	۱۱۳/۲۷
توافق											
۲۴/۹۷	۱۱۷/۵۷	۲۴/۲۰	۱۲۲/۷۸	۱۰/۲۰	۱۳۳/۰۷	۲۲/۰۲	۱۰۹/۰۰	۱۹/۷۱	۱۲۲/۰۳	۱۵/۷۵	۱۳۸/۳۳
عملکرد											
۰/۸۲	۶/۳۰	۱/۳۱	۵/۸۷	۰/۹۸	۵/۸۲	۱/۰۰۶	۶/۰۰	۱/۰۷	۵/۸۶	۱/۰۵	۵/۸۹
نگرش‌های صمیمیت											

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد نمرات زوجین را بر مبنای جنسیت و تحصیلات در توافق کلی، عملکرد کلی و نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین نشان می‌دهد. نمرات نشان می‌دهد که گروه‌ها در توافق کلی و نگرش‌های صمیمانه نمرات تقریباً مشابهی کسب کرده‌اند. تنها اندکی تفاوت در نمرات عملکرد کلی بین گروه‌های تحصیل کرده با گروه‌های زیر دیپلم و

دیپلم مشاهده می‌شود. به این معنا که گروه دارای تحصیلات دانشگاهی در عملکرد خانواده، نمرات پایین‌تری کسب نموده، عملکرد خانوادگی بهتری داشتند.

## جدول ۲. ضرایب همبستگی توافق زناشویی، عملکرد خانواده و نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین

متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین					
	حل مساله	ارتباط	نقش	همراهی عاطفی	آمیزش عاطفی	کنترل رفتار کلی
توافق کلی	۰/۴۵۵**	۰/۲۲۱*	۰/۶۰۷**	۰/۴۸۴**	۰/۵۹۹**	۰/۴۹۸**
رضایت	۰/۲۰۳*	۰/۰۷۱	۰/۳۴۹**	۰/۳۰۶**	۰/۳۴۸**	۰/۲۶۷**
همبستگی	-۰/۴۰۰**	۰/۱۱۳	۰/۴۹۸**	۰/۳۹۹**	۰/۴۸۱**	۰/۳۴۷**
توافق دو تایی	۰/۴۸۴**	۰/۲۸۷**	۰/۵۷۵**	۰/۴۴۶**	۰/۶۰۰**	۰/۵۴۱**
ابراز محبت	۰/۳۰۰**	۰/۱۲۵	۰/۵۶۴**	۰/۴۵۳**	۰/۴۲۴**	۰/۳۱۵**
نگرش‌های صمیمانه	۰/۳۶۲**	۰/۱۸۰	۰/۴۱۸**	۰/۴۲۱**	۰/۴۳۹**	۰/۳۱۴**

$P \leq 0.01$  \*

$P \leq 0.05$  \*\*

جدول (۲) نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین نمرات همه‌ی خرده‌مقیاس‌ها در سطح معناداری (۰/۰۱ و ۰/۰۵) مشاهده می‌شود. نمرات جدول فوق، حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار بین توافق کلی و عملکرد خانوادگی زوجین ( $P \leq 0.00$ ،  $N = 106$ )، بین توافق کلی و نگرش‌های صمیمانه‌ی همسران ( $P \leq 0.00$ ،  $N = 106$ )، بین عملکرد خانوادگی و توافق کلی ( $P \leq 0.00$ ،  $N = 106$ ) و بین نگرش‌های صمیمانه و عملکرد کلی خانوادگی ( $P \leq 0.00$ ،  $N = 106$ ) است. به این معنا که با بهبود در عملکرد خانوادگی زوجین در ابعاد مختلف آن، توافق کلی زوجین افزایش یافته، نگرش‌های صمیمانه‌ی آن‌ها به یکدیگر

افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، با بهبود نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین نسبت به یکدیگر، عملکرد خانوادگی سالم‌تری ظاهر می‌شود.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون توافقی و نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین بر مبنای عملکرد خانوادگی

متغیرها	R	R <sup>2</sup>	B	β
نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین	۰/۵۰	۰/۲۵	-۰/۴۱	-۰/۵۰
توافق زوجین	۰/۶۸	۰/۴۶	-۰/۵۳	-۰/۶۸

جدول (۳) نشان می‌دهد که عملکرد خانوادگی همسران قادر است نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین را به میزان  $[P \leq ۰/۰۰۰, F(۱, ۱۰۳) = ۳۵/۰۳]$  پیش‌بینی نماید. این جدول همچنین نشان می‌دهد که عملکرد کلی خانواده، قادر است توافق بین همسران را به میزان  $[P \leq ۰/۰۰۰, F(۱, ۱۰۴) = ۹۰/۹۷]$  پیش‌بینی نموده، این نمرات همچنین نشان می‌دهند که عملکرد خانواده، قادر است با قدرت بیش‌تری، توافق بین زوجین را نسبت به نگرش‌های صمیمانه‌ی بین همسران پیش‌بینی نماید.

### نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی عملکرد و کارآمدی خانواده در حیطه‌های مختلف، حول محور بازیگران آن یعنی زوجین، از دیرباز مورد توجه متخصصان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بوده است، اهمیت سلامت در حیطه‌های مختلف عملکرد خانواده و ایجاد روابطی ایمن و سالم میان زوجین و فرزندان در تقویت فضای عاطفی و نیز توافق و تفاهم بین طرفین مبادله، تا بدانجاست که موجبات تضمین امنیت روابط زناشویی و بقا و ثبات پایه‌های خانواده را فراهم می‌آورد. این مطالعه نیز در صدد بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده‌ی عملکرد خانواده در نگرش‌های صمیمانه و توافق بین زوجین در نمونه‌ای از خانواده‌های شهر قزوین برآمده است. در پاسخ به پرسش اول

پژوهش و وجود ارتباط بین عملکرد خانواده، نگرش‌های صمیمانه و توافق بین همسران باید گفت با استناد به جدول ۲، بین سه مولفه‌ی فوق و نیز بین خرده‌مقیاس‌های عملکرد خانواده (اعم از حل مساله، ارتباط، ایفای نقش‌های زوجین، همراهی و آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و نیز عملکرد کلی) با خرده‌مقیاس‌های توافق زناشویی (شامل: رضایت زوجین، همبستگی دو نفره، توافق دو تایی و ابراز محبت) و نگرش‌های صمیمانه‌ی زوجین در سطح معناداری (۰/۰۱ و ۰/۰۵) ارتباط معناداری مشاهده می‌شود. کارآمدی زوجین در ابعاد گوناگون خانوادگی چون حل مسائل، برقراری روابط بهنجار، مبادله‌ی صریح عواطف، تعیین، تخصیص و توافق بر روی نقش‌های محوله، ارضای نیازهای عاطفی و نگرانی اعضای خانواده برای یکدیگر، نظارت و کنترل بر رفتارهای عضو، همگی نیازمند جوی صمیمی و عاری تهدید و وجود توافق و هماهنگی طرفین مبادله در مورد موضوعات یاد شده می‌باشد، امری که خود منجر به کارآمدی بیش‌تر خانواده در ابعاد مختلف زندگی گردیده، موجب چرخه‌ای بهنجار و تعالی‌دهنده در مسیر رشد و تکامل خانواده است. با باور هالفورد (۱۳۸۴) نگرش‌های صمیمانه‌ی بین زوجین، حاکی از وجود تعاملات سازنده بین همسران است و کمبود آن، نشان از آشفتگی در رابطه‌ی زناشویی دارد. این یافته با نتایج مطالعات حسینی سده و فتحی آشتیانی (۱۳۸۹)، اکبری و همکاران (۱۳۹۱)، گریف و ملهرب (۲۰۰۱) و فلدمن و همکاران (۱۹۹۰) مبنی بر رابطه‌ی بین توافق زوجین و نگرش‌های صمیمانه‌ی آن‌ها، عملکرد خانوادگی و توافق زوجین و میزان صمیمیت بین زوجین، مطابقت دارد.

در پاسخ به پرسش بعدی و آزمون فرض دوم پژوهش، مطابق با جدول ۳ باید گفت عملکرد خانوادگی زوجین، قادر است به میزان زیادی توافق بین زوجین و به میزانی متوسط، نگرش‌های صمیمانه‌ی بین زوجین را پیش‌بینی نماید. این یافته با نتایج مطالعات ساندرسون و کارتسکی (۲۰۰۲)، لیان و یوسف (۲۰۰۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۲)، یافته‌های مطالعات پیمایشی غرب استرالیا (۲۰۰۶) و کال و همکاران (۲۰۱۰) هماهنگ است. همان‌گونه که در الگوی مک مستر از ابعاد عملکرد خانواده بیان گردید، تمام خانواده‌هایی که عملکردی ضعیفی

دارند، اغلب از طی فرآیند حل مساله عاجز بوده، در ابراز و پذیرش مسائل عاطفی با مشکل مواجه‌اند. در خانواده‌های دارای عملکرد ضعیف، موضوع ارتباط امری مورد غفلت بوده و یا اصلاً موضوعیتی ندارد، در چنین خانواده‌هایی، توافقات بر تخصیص و پاسخدهی نقش کم رنگ بوده، مسائل عاطفی رنگ باخته، زوجین نسبت به هم بی‌علاقه بوده و گویی افرادی منفک از یکدیگر تنها در پناهگاهی مشترک به همزیستی خود ادامه می‌دهند. در چنین خانواده‌های ناکارآمدی، مشارکت بین اعضای خانواده به گونه‌ای است که گویی گروهی غریبه، زیر یک سقف زندگی می‌کنند. اینجاست که تضادها و تعارضات بر تعامل و تفاهم برتری جسته و از حول محور صمیمیت خارج می‌گردد. این در حالی است که در خانواده‌های سالم و اثربخش، اغلب ارتباط بین اعضاء معتبر و تایید شده بوده، توافق همسران، مبنای عملکرد سالم خانواده قرار می‌گیرد، کانونی که زوجیت آن‌ها، مبدا شکل‌گیری آن تلقی می‌شود و صمیمیت ضمانتی برای استمرار آن فراهم می‌نماید. از دیگر یافته‌های جانبی طرح، تفاوت گروه‌ها در نمرات عملکرد خانواده و توافق زناشویی از حیث تحصیلات بود. بر اساس جدول ۱ می‌توان مشاهده نمود که گروه دارای تحصیلات دانشگاهی، نسبت به دیگر گروه‌ها میانگین متفاوت‌تری در توافق زناشویی و عملکرد خانواده کسب نمودند. به این معنا که گروه دارای تحصیلات عالی، عملکرد مطلوب‌تری از حیث عملکرد خانواده و توافق زناشویی نشان دادند. این یافته، با نتایج مطالعات تلسیز (۱۹۹۸) و سلز و شاون (۲۰۰۲) همخوانی داشته و با مطالعه‌ی احمدی و فتحی آشتیانی ناهمخوان است. باید گفت تحصیلات و سواد به منزله‌ی عامل آگاهی بخش عمل می‌کند. ویلسن و اسمال وود<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، به نقل از فدوی، (۱۳۸۹) بر این باورند که هرچه سطح تحصیلات زوجین بالاتر باشد، واکنش آن‌ها به موقعیت‌های زندگی با احساسات مناسب‌تری همراه بوده و توانایی بالاتری در حل مشکلات خانوادگی در آن‌ها مشاهده می‌شود.

با توجه به ماهیت اجرای چنین طرحی با همسران و لزوم مشارکت داوطلبانه‌ی هر دو زوج در امر ارائه‌ی اطلاعات، از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به موارد چون دشواری پذیرش آن‌ها برای مشارکت در طرح، محافظه‌کاری پاسخگویان در پاسخ دادن و دشواری در تفهیم گویه‌ها به زوجین کهنسال بود. لذا، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، برای ایجاد اعتماد همسران به شرکت در چنین طرح‌هایی، تلفیقی از طرح‌های ترکیبی (کمی-کیفی) صورت پذیرد تا با زمینه‌سازی ایجاد ارتباط صمیمانه، نگرش‌های صریح آن‌ها به زندگی زناشویی احصاء شود. مراکز مشاوره با رویکرد زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی می‌توانند با بهره‌گیری از نتایج چنین مطالعاتی، به امر تقویت و بهبود کیفیت روابط همسران، کارآمد نمودن زوجین در تقویت عملکرد خانوادگی خود، آموزش مهارت‌های زندگی زوجی و خانوادگی و غنی‌سازی روابط صمیمانه‌ی همسران پردازند.

### سپاس و قدردانی

با توجه به همکاری سرپرست طرح‌های پیمایشی و پرسشگران صدا و سیمای مرکز قزوین در جمع‌آوری اطلاعات از زوجین و نیز مشارکت خانواده‌های محترم شهر قزوین در اجرای طرح، نویسنده بر خود لازم می‌داند از زحمات آن‌ها نهایت سپاسگزاری خود را اعلام نماید.

### منابع فارسی

- احمدی، خدابخش و فتحی‌آشتیانی، علی. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین. *مجله‌ی روان‌شناسی*. ۸ (۴): ۳۸۹-۴۰۳.
- اصلانی، خالد؛ صیادی، علی و امان‌الهی، عباس. (۱۳۹۲). رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۲ (۲): ۱۷۷-۱۶۳.



- اکبری، ابراهیم؛ پورشریفی، احمد؛ عظیمی، زینب و فهیمی، صمد. (۱۳۹۱). اثربخشی گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایتمندی، سازگاری، احساسات مثبت، و صمیمیت زوج‌های دارای تجربه طلاق عاطفی. فصلنامه‌ی مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۲ (۴): ۴۸۴-۴۵۵.
- باگاروزی، دنیس. ای. (۱۳۸۶). بهبودبخشی صمیمیت در ازدواج. ترجمه‌ی رضازاده، سید محمدرضا و پورنقاش تهرانی، سید سعید. تهران: دانشگاه الزهراء (س). ۱۳-۲۶.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات خانواده. ترجمه‌ی حسین قاضیان. تهران: نی. ۷۳-۷۴.
- ثنایی، باقر و همکاران. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت. ۴۲-۳۷، ۱۲۳-۱۱۶ و ۱۹۹-۲۰۱.
- حسینی‌سده، سیدمجتبی و فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی بین رضایت‌مندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش‌پژوهان مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). روان‌شناسی و دین. ۳ (۴): ۱۲۷-۱۴۵.
- رفاهی، ژاله و مقتدری، نازفر. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت همدلی به شیوه گروهی بر افزایش صمیمیت زوجین. نشریه‌ی مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۳ (۱): ۵۵-۴۴.
- زارع‌پور، مریم و آسوده، محمدحسین. (۱۳۹۰). سلامت روان زوجین، نقش ابعاد صمیمیت زناشویی و الگوهای ارتباطی. دومین همایش ملی روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده. مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی. ۶۲۲-۶۲۶.
- زهراکار، کیانوش و جعفری، فروغ. (۱۳۸۹). مشاوره‌ی خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرآیند و نظریه‌ها). چاپ اول. تهران: ارسباران. ۵۶-۵۷.
- فدوی، آزاده. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر رضایت زناشویی و تعارضات زناشویی مادران دارای فرزند ابتدایی شهر رشت. نشریه‌ی الکترونیکی پزشکان عمومی گیلان. شماره ۴۱-۴۲ به آدرس: <http://www.pezeshkanoomigilan.ir/magazine>
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده: جامعه‌شناسی تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده. تهران: دانژه. ۳۳-۶۵.
- نصر اصفهانی، نرگس. اعتمادی، احمد و شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش معنامحور بر عملکرد خانواده‌ی زنان متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۲ (۲): ۲۲۱-۲۰۹.

هالفورد، کیم. (۱۳۸۴). زوج درمانی کوتاه مدت (یاری به زوج برای کمک به خودشان). ترجمه‌ی تبریزی، مصطفی. تهران: فراروان. ۴۵-۲۴

یزدانپرست، یونس و نوحی طهرانی، لیلا. (۱۳۹۱). رابطه‌ی میزان رضایت قلبی دختر باکره در زمان عقد و میزان رضایت زناشویی او در طول زندگی مشترک. مجموعه مقالات اولین همایش ملی روان‌شناسی و خانواده، سنندج: دانشگاه کردستان. ۳۵۳-۳۶۷.

### منابع لاتین

- Coll, K. M., Powell, S., Thobro, P. & Haas, R., (2010). Functioning and the Development of Trust and Intimacy Among Adolescents in Residential Treatment. *Family Journal*, published by SAGE. DOI: 10.1177/1066480710372082.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9: 171-180.
- Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S., (1978). The McMaster Model of Family Functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 4(4): 19-31.
- Feldman, S. Shirley; Wentzel, Kathryn R.; Weinberger, Daniel A.; Munson, Jeffrey A. (1990) Marital satisfaction of parents of preadolescent boys and its relationship to family and child functioning. *Journal of Family Psychology*, 4(2), 213-234.
- Greeff, A. P. & Malherb H.L. (2001). Intimacy and Marital Satisfaction in Spouses. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27: 247-257.
- Lian, C. T. & Yusoooff, F. (2009). The Effects of Family Functioning on Self-Esteem of Children. *European Journal of Social Science*, 9 (4): 643-650.
- Sells, Jim & Shawn J. Patrick. (2002). Intimacy, differentiation, and marital satisfaction. Northern Illinois University. <http://gateway.proquest.com>.
- Spencer, G. Niles. (2011). *Developing Your Identity as a Professional Counselor: Standards, Settings, and Specialties*. Publisher Cengage Learning.
- Telsiz, M. (1998). Adolescents' views on the parental roles: A Turkish study. *International Journal of Sociology of family*, 28 (4): 69-77.
- Waring, E. M. (2013). *Enhancing Marital Intimacy Through Facilitating Cognitive Self Disclosure*. Routledge.
- Western Australian Aboriginal Child Health Survey. (2006). Strengthening the capacity of Aboriginal children, families and communities. 257-33: [www.ichr.uwa.edu.au](http://www.ichr.uwa.edu.au)
- Williams Scott M. & Williams Wendy Hill (2005). *My Family, Past, Present and Future: A personal exploration of marriage and the family*. Pearson Custom Publishing.